

موانع تسلط بر هوای نفس از دیدگاه قرآن

حکیمه سادات موسویان^۱

^۱ طلبه سطح ۲، حوزه علمیه حضرت نرجس (س) یزدانشهر، satar.d13536@gmail.com

چکیده

انسان این شاهکار خلقت پروردگار مسافری است که قرار است از دنیای مادی بگذرد و به لقاء معبود و مقصود خویش نائل شود منتها او با اینکه راه را برایش نمایانده‌اند راه را نمی‌شناسد و یا راه را شناخته و به بی‌راهه ی‌تازد و به سوی آتش رفتن و عنان خویش را به دست او سپردن است و ارادهایی دارد به نام نفس که اگر فرصت یابد بی‌درنگ جان‌ش را می‌ستاند و هستی‌اش را با نیستی یکی می‌کند پس باید سخت به هوش باشد و غفلت نورد و رویارویی با نفس جهادی عظیم است در عرصه تقابل با خواهش‌های نفسانی شناخت آن چه آدمی را از نبرد با هوای نفس باز می‌دارد و کوشش‌های او را در این زمینه عقیم و بی‌نتیجه می‌گذارد نقش بسیار بزرگی در موفقیت او دارد ضرورت این امر زمانی بیشتر آشکار می‌شود که به این نکته توجه شود که در حقیقت با این کار ملائیمی از راه پیموده می‌شود در حقیقت شناخت موانع تسلط بر هوای نفس نوعی دشمن‌شناسی در مسیر تذهیب نفس است و رفع آن می‌تواند آدمی را در تسلط بر خواهش‌های نفسانی یاری کند.

کلید واژه: غفلت، تکبر، تعصب و لجاجت، حسادت، حرص و طمع.

قرآن کریم در سوره مبارکه حجر از زبان ابلیس سوگندی را بیان می‌کند که محتوای آن تصمیم و عزم جدی بر گمراهی انسان است: گفت پروردگارا به سبب آنکه مرا گمراه ساختی من هم گناهانشان را در زمین برایشان می‌آرایم و همه را گمراه خواهم ساخت. منظور از تزئین شیطان چیست، علامه طباطبایی (ره) می‌نویسد ((ابلیس منظورش این است که باطل را در نظر بشر زینت می‌دهم در حقیقت عدم بیداری انسان‌ها اول اینکه بر اثر زیادی گناه و لجاجت در شرک قلب‌های آنها تیره و سخت و روح آنها انعطاف ناپذیر شده بود و دیگر شیطان با استفاده از روح هوا پرستی آنها اعمالشان را در نظرشان زینت داده بود و هر عمل زشتی را انجام می‌دادند زیبا و هر کار خلافی را صواب می‌پنداشتند. شناخت موانع تسلط بر هوای نفس نوعی دشمن شناسی در مسیر تسلط بر خواش نفسانی است. از جمله این موانع غفلت است که نبض انحراف آدمی از مسیر صحیح همین غفلت است و موارد بعدی همچون تکبر که لبیک به خواش نفس، گستاخی در برابر حضرت حق است. همچنین تعصب و لجاجت نقش عمده‌ای در عدم موفقیت دارند و حسادت و حرص و طمع که عوامل مخربی بر نفس دارد مسلمانان است. در منابع دینی هوای نفس به عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل سقوط انسان معرفی شده است و همواره به پرهیز از تن دادن به خواش‌های نفسانی سفارش شده است و دلیل آن هم ارتباط مستقیم بین پیروی از هوای نفس با سرنوشت ابدی انسان معرفی شده است.

غفلت

شاید به جرات بتوان گفت نبض انحراف آدمی از مسیر صحیح و گام نهادن در بیابان سرگردانی و بدفرجامی غفلت است لحظه لحظات ساعت یا ساعاتی که انسان در بیابان غفلت سرگردان است گاه پیامدهای بسیار ناگواری برای آدمی دارد و قرآن و روایات بزرگان دین نسبت به گرفتار شدن در آن بسیار هشدار داده‌اند ریشه غفلت (غ ف ل) است که واژه‌های (اغفلنا)، (تغفلون)، (غافلا)، (بغافل)، (غافلات)، (غافلین)، (غافلون)، (غفله) از آن در قرآن آمده است ۳۵ بار مشتقات از این ریشه ۲۵ مرتبه در سوره‌های مکی و ۱۰ مرتبه در سوره‌های مدنی آمده است.

انواع غفلت

به نظر می‌رسد که در اسلام سخن از دو نوع خاص از غفلت است که از آن به غفلت عام و خاص تعبیر می‌شود مراد از غفلت عام همان غفلت کافران از اسلام و حقایق قرآنی آموزه‌های وحیانی است. زیرا هر کسی که از قرآن غافل باشد در غفلت کلی و عمومی بزرگی گرفتار است. هر کسی با خواندن قرآن است که از غفلت واقعی بیرون می‌آید از این رو خداوند قرآن را ذکر دانسته است، زیرا ذکر به معنای یادآوری و توجه و التفات دادن است و قرآن از آنجایی که مردم را متوجه حقایق هستی می‌کند و از غفلت رهایی می‌بخشد کر می‌باشد اما مراد از غفلت خاص غفلتی است که هر کسی در زندگی خویش نسبت به هر چیزی به آن گرفتار می‌شود از این رو کسانی که اهل مراقبت نیستند و یا کمتر متوجه مجاهده نفس می‌شوند و یا کمتر به تربیت نفس و تزکیه و محاسبه توجه دارند اهل غفلت هستند. غفلت پیامبر غیر از غفلت مومنان یا کافران است و نمی‌توان همه را در یک سطح دید این گونه است که خداوند درباره غفلت پیامبر در آیه ۲۰۵ سوره اعراف به گونه‌ای سخن می‌گوید در حالی که درباره غفلت همگانی انسان‌ها در آیه ۲۲ سوره ق مطلب دیگری را بیان می‌کند. از نظر قرآن همه انسان‌ها در غفلت از اموری چون قیامت و رستاخیز و حساب و کتاب آن هستند.

تکبر

تکبر یکی دیگر از موانع اساسی تسلط بر خواهش‌های نفسانی است اینکه انسان دچار خود بزرگ بینی شود و در پی آن با لبیک به خواهش نفسانی به سرکشی و گستاخی در برابر حضرت حق روی بیاورد این واژه معمولاً در کنار واژه‌های کبر و استکبار به کار می‌رود پس کبر حالتی است که انسان با بزرگ دیدن خویش به آن صفت مخصوص می‌شود و همان است که انسان جان و وجود خویش را از غیر خویش بزرگتر می‌بیند بزرگترین و سنگین ترین تکبرها تکبر بر خداوند در خودداری از قبول حق و عدم اقرار به آن در پرسش است استکبار دو وجه دارد

اول این است که انسان قصد کند بخواهد که بزرگ شود و اگر این حالت در مورد چیزی که ازم و واجب می‌شود یا در مکان و زمانی که بزرگی و استکبار در آن واجب است باشد آن استکبار محمود و پسندیده است دوم استکبار در افزون طلبی و برتری جویی به طوری که از نفس و وجود او چیزی که شایسته او نیست و از آن او نیست آشکار شود که این مضمون و ناپسند است و همان است که خدای تعالی در مورد شیطان گفت در آیه ۸۷ سوره بقره ((چرا هرگاه پیامبری آیین خدا را که مطابق هوا و هوسستان نبود برای شما آورد سرکشی کردید نهایتاً نبوت گروهی را تکذیب نمودید گروهی را می‌کشتید))^۱. در این آیه به وضوح از رابطه مستقیم بین تکبر و اطاعت از هوای نفس یاد شده است و اینکه استکبار در برابر انبیای الهی در حقیقت قد برافراشتن در برابر خداوند تبارک و تعالی است ((هوی و هوا به معنی تمایل پیدا کردن است به سوی پستی و پایین خواه مادی باشد یا معنوی و از مصادیق این معنی تمایل نفس است به امور مادی و شهوات))^۲

تعصب و لجاجت

یکی از صفات رذیله انسانی تعصب ناروا و وابستگی غیر منطقی به چیزی است که انسان را از درک حق و برتری دادن آن بر باطل باز می‌دارد. تعصب‌های ناروا در طول تاریخ بشر مشکلات عدیده ای را به وجود آورده است. سد راه هدایت انبیا شدن درگیری‌های ناروا و طولانی و برتری دادن عده‌ای به ناحق و بدون لیاقت همه ریشه در تعصب‌های ناروا دارد.

مفهوم واژه تعصب

تعصب و عصبیت اصل از ماده عصب به معنی رگ‌ها و پی‌هایی است که مفاصل را به هم ارتباط می‌دهد. پس هرگونه ارتباط و به هم پیوستگی را تعصب و عصبیت نامیده اند، اما معمولاً این لفظ در مفهوم افراطی و مذموم آن به کار می‌رود تعصب و تحجر به معنای ایستایی، تحول ناپذیری، جمود و برنتابیدن فرهنگ ارزش‌های حق و متعالی است و عقل و دل و ابزارهای معرفتی و منابع شناخت را نیز شامل می‌شود.^۳

^۱ بقره ۸۷

^۲ حسن، مصطفوی، تفسیر روشن، ج ۱، ص ۴۳۰

^۳ مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، ج ۱۹، قم، نشر صدرا، ص ۱۱۰

عوامل بسیاری در پیدایش حسد دخیل است، این عوامل گاه به تنهایی و گاه با همدیگر به ظهور بروز حسادت منجر می‌شود.

۱- عداوت و دشمنی

به این معنی که انسان وقتی با کسی دشمن می‌شود هیچ خیری را برای او نمی‌خواهد و لذا متنعم بودنش را دوست ندارد و دشمنی او کینه می‌شود و این امر باعث می‌شود که به دیگری حسد ورزد و این حسد بر سر مقام و منصب در سر مسائل مادی و اقتصادی درگیری بر سر برتری در علم دانش از مصایق بارزی است که در بسیاری از مواقع باعث حسادت می‌شوند.

در آیاتی در سوره مبارک آل عمران این مورد به خوبی شرح داده می‌شود می‌فرماید: ای کسانی که ایمان آورده‌اید از غیر خودتان همراز میگیرید. [آنان] از هیچ نابکاری در حق شما کوتاهی نمی‌ورزند. آرزو دارند که در رنج بیفتید. دشمنی

از لحن و سخنشان آشکار است و آنچه سینه‌هایشان پنهان می‌دارد، بزرگ‌تر است. در حقیقت، ما نشانه‌های دشمنی آنان را برای شما بیان کردیم، اگر تعقل کنید؛ هان، شما کسانی هستید که آنان را دوست دارید حال آنکه آنان شما را دوست ندارند، و شما به همه کتاب‌های خدا ایمان دارید چون با شما برخورد کنند می‌گویند: ((ایمان آوردیم)) و چون با هم خلوت کنند، از شدت خشم بر شما، سر انگشتان خود را می‌گزند بگو: ((به خشم خود بمیرید)) که خداوند به راز درون سینه‌ها داناست؛ اگر به شما خوشی رسد آنان را بد حال می‌کند و اگر به شما گزند رسد بدان شاد می‌شوند و اگر صبر کنید و پرهیزگاری نمائید، نیرنگشان هیچ زیانی به شما نمی‌رساند. یقیناً خداوند به آنچه می‌کنند احاطه دارد.^۱

۲- (تعزز) عزت نفس

تعزز به معنای خود بزرگ بینی است شخص حاسد از این که کسی دارای نعمتی شود و در نتیجه به او تکبر کند رنج می‌برد و نمی‌تواند این تکبر را تحمل کند سپس آرزو می‌کند که آن فرد نعمتش را به دست نیاورد و یا اگر دارد از دست بدهد تا نتواند به او تکبر کند.^۲

آل عمران ۱۲۰-۱۱۸

۲-امیر عطریان، اسباب حسد، نشریه رسالت

در اینجا فرد حاسد نه دشمنی دارد نه تکبر که از نعمت بزرگی که به شخص رسیده متعجب شده و در نتیجه حسادت می‌ورزد چون او را شایسته آن نمی‌داند. دوست دارد آن را از دست بدهد در این مواقع کاهلی خود را با برتری‌های موجود در دیگری در نظر می‌گیرد و اینکه فردی به کوشش خویش یا فضل پروردگار به مقام مادی یا معنوی رسیده او را به عجب و می‌دارد که مصداقت تاریخی آن را می‌توان پیامبر نام برد که حسادت مشرکان بود. جوانی که از قریش که دیروز در میان آنان می‌زیست گمنام بود اکنون پیامبری شده و امتی از او پیروی می‌کنند و رفته رفته آتش حسد را در دلشان شعله ور ساخت.

۴- ضعف خداشناسی

قرآن علت دیگری که برای حسادت بیان می‌کند مسئله ضعف خداشناسی و جهل به حکمت تفاوت‌های موجود در میان انسان‌هاست. بسیاری از افراد به علت وجود نعمتی چون مال و فرزند و خانه و مانند آن نسبت به دیگری حسادت می‌ورزند. در حالی که علت وجود تفاوت‌ها می‌تواند مسائلی چون آزمون و ابتلا باشد. به این معنی که به برخی از اشخاص ثروت و مال داده می‌شود. این دانسته شود چگونه با این مال و ثروت خویش رفتار می‌کند. بسیاری از کسان هنگامی که در تنگدستی هستند از خدا می‌خواهند که ثروتی به ایشان بدهد تا به دیگران کمک کنند برخلاف کسانی که در حال حاضر از ثروت برخوردار هستند و کمکی نمی‌کنند. این اشخاص هنگامی که به ثروت دست می‌یابند گذشته خویش را فراموش می‌کنند و وعده‌ها را از یاد می‌برند. این در حال است که خداوند در مال هرکسی حداقل دو سهم برای دو گروه در نظر گرفته است به این معنی که هر ثروت و مال کم و زیاد، دو شریک طبیعی دارد یکی از آنان محرومان. دیگری سائلین هستند که به جهاتی دست نیاز به سوی این و آن دراز می‌کنند. این دو گروه دست کم در هر ثروتی به عنوان حق، شریک هستند. (ذاریات: ۱۹ و ۲۰)

حرص و طمع

طمع در لغت تمایل نفس به چیزی از روی آرزوی شدید و آزمندی است و در اصطلاح قرآنی توقع داشتن و حریص بودن در اموال و زندگی مردم است.^۱

^۱ علامه محمد حسین طباطبائی، المیزان، ترجمه موسوی سید محمد باقر همدانی، ج ۱، ص ۳۴

طمع حالتی است انسان را به ورطه محرمات می‌کشد و از رحمت واسعه حق محروم می‌کند و ملکوت وجود آدمی را به ظلمت و تاریکی آلوده می‌نماید و از انسان منبع شر خطر می‌سازد و شقاوت دنیا و آخرت را برای بشر هارمغان می‌آورد. قرآن مجید در آیه سی و دوم سوره مبارکه احزاب طمع را ثمره مرض قلب می‌داند. قلبی که از نور معرفت و ایمان به خدا و انبیا و اولیا محروم است. خواهی نخواهی گرفتار حالات ابلیسی گوناگون از جمله حالات خطرناک طمع است. قرآن در سوره مبارکه مدثر می‌فرماید: این گونه افراد هرچه از نعمت‌های مادی برخوردار شوند باز سیر نشده و طمع در اضافه شدنش دارند البته این طمع باعث می‌شود آدمی از حدود و مرزها و مقررات الهی تجاوز کرده و دست تعدی به حقوق حقه مردم دراز کند. طمع کار حد و مرزی برای خود نمی‌شناسد قانونی را محترم نمی‌داند و به هر کاری که شهوت او اقتضا کند دست می‌زند. طمع کار حد و مرزی برای خود نمی‌شناسد و قانونی را محترم نمی‌داند و به هر کاری که شهوت او اقتضا کند دست می‌زند.

حرص و طمع در زندگی فردی و اجتماعی بشر آثاری شوم دارد.

۱- حرص انسان را به رنج و زحمت ابدی گرفتار می‌سازد؛

۲- حریص هرگز سیر نمی‌شود و به همین دلیل اگر مالک تمام دنیا گردد باز فقیر است؛

۳- حریص همچون فقیران زندگی می‌کند و همچون فقیران می‌میرد، ولی همچون اغنیا در قیامت محاسبه می‌شود.

۴- حرص انسان را به هلاکت می‌افکند، زیرا شخص حریص به خاطر دل‌باختگی به دنیا خطراتی را که در اطراف او وجود دارد نمی‌بیند و با عجله و شتاب به پیش می‌تازد؛

۵- حرص آبروی انسا را می‌یزد و ارزش او را در نظرها پایین می‌آورد، چرا که شخص حریص برای رسیدن به مقصود خود حتی ملاحظات اجتماعی را کنار می‌گذارد و همچون اسیری که زنجیر به گردن او افکنده باشند به این سو و آن سو کشیده می‌شوند؛^۱

همین معنی به صورت دیگری معنی در فرمان مالک اشتر در نهج البلاغه آمده است. آنجا که امام مالک اشتر را از مشورت با بی عقلان و افراد ترسو و حریصانه بر حذر می‌دارد، سپس می‌فرماید: ((بخل و ترس و حرص، غرایز مختلفی هستند که یک ریشه دارند و آن سوظن به خداست))^۲

سوگند شیطان برای فریب انسان

۱ ناصر مکارم شیرازی، اخلاق در قرآن، جلد ۲، صفحه ۹۸

۲ نهج البلاغه، صبحی صالح، نامه ۵۳

نتیجه گیری

بر اساس تعالیم الهی و آیات کلام الله مجید انسان موجودی زمینی و آسمانی است بدن مادی او زمینی است و روح او نفخه الهی است. خداوند متعال برای رسیدن انسان به کمال و سعادت توانایی‌های مختلفی را در او به ودیعه نهاده است که از آن جمله خواهش‌ها و تمایلات نفس انسان است. شناخت و رفع موانعی مانند غفلت، آرزوهای طولانی، تعصب و لجابت، حرص و طمع و سوگند شیطان... حرکت انسان را در مسیر تزکیه و اصلاح نفس کند می‌کند، زمینه‌ی حرکت موثرتر را باید به وسیله راهکارهای قرآن فرا گرفت و گام‌های عملی را برای تسلط بر هوای نفس، عهده دار شد. و باید در وادی خودسازی و تذهیب نفس تلاش کرد.

منابع و مأخذ:

قرآن کریم

نهج البلاغه

۱- ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، مصحح، جمال الدین میردامادی، دارالفکر للطباعة والنشر و التوزيع، بیروت ۱۴۱۴ ق.

۲- امیر، عطریان، اسباب حسد، نشریه رسالت، ۱۳۸۲

۳- راغب، اصفهانی، حسین بن مح ۰ مد، ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن کریم، غلامرضا خسروی حسینی، چ ۲، مرتضوی، تهران، ۱۳۷۴

۴- مصطفوی، حسن، التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، ۱۳۶۰

۵- مصطفوی، حسن، تفسیر روشن، مرکز نشر کتاب، تهران، ۱۳۸۰

۶- مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، جلد نوزدهم، نشر صدرا، قم

۷- مکارم شیرازی، ناصر، اخلاق در قرآن، جلد ۲، مدرسه امام علی بن ابی طالب (ع) قم، ۱۳۸۴

۸- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، جلد ۱، دار الکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۷۴

نرم افزارها و سایت های اینترنتی:

نرم افزار جامع التفاسیر